



A Comparative Study of Context (*Siyāq*) and Its Interpretive Function in the Qur'ānic Studies of Fāḍil Ṣāliḥ al Sāmarrā'ī and Bint al Shāṭi'

Asad Shahbazi^{a*}, Ali Hasanbagi^b, Fatemeh Dastranj^c

^a PhD Student, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran, Email (shahbazi.asad4747@gmail.com)

^b Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran, Email (a-hasanbagi@araku.ac.ir)

^c Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran, Email (f-dastranj@araku.ac.ir)

KEYWORDS

Context (*Siyāq*).
Literary Interpretation.
Fāḍil Ṣāliḥ al-Sāmarrā'ī.
Bint al-Shāṭi'.
Qur'ānic Hermeneutics.

ABSTRACT

Fāḍil Ṣāliḥ al Sāmarrā'ī and Bint al Shāṭi' are among the prominent contemporary scholars of Qur'ānic studies whose interpretive works rely extensively on literary approaches to the Qur'ān. Because their exegetical methods are grounded in literary and rhetorical analysis, their interpretations maintain a close relationship with linguistic and stylistic discussions of the Qur'ānic text. Both scholars make extensive use of contextual indication (*qarīnat al siyāq*) in their interpretation of the Qur'ān. The central aim of the present study is therefore to examine the function of contextual indication in the interpretive approaches of these two scholars. Employing a descriptive-analytical method, the study demonstrates that both al Sāmarrā'ī and Bint al Shāṭi' understand contextual indication primarily in terms of the relationship between preceding and following verses. Despite substantial similarities in their use of context, significant methodological differences can be observed. Adopting a syntactic orientation and working within a largely traditional framework—particularly through reliance on 'Abd al Qāhir al Jurjānī's theory of *naẓm* (textual ordering)—Al Sāmarrā'ī tends to emphasize specific context, namely the relationship of words and meanings within individual verses and sūrahs. In contrast, Bint al Shāṭi', with a rhetorical orientation and a more modernist methodological perspective influenced in part by Orientalist approaches to Qur'ānic studies, places greater emphasis on general context, that is, the interpretive relationship between a given passage and the Qur'ān as a whole. Through their analyses, both scholars highlight the literary dimensions of the Qur'ān's inimitability (*i'jāz*), demonstrating how the key words of individual verses function within the broader linguistic structure of the Qur'ānic discourse. Their interpretations reveal subtle verbal and semantic features of the Qur'ānic text and argue that each word in the Qur'ān occupies a precise and irreplaceable position, such that even a seemingly synonymous term cannot substitute for it because every lexical choice is intrinsically connected to the spirit of the discourse—that is, to its context (*siyāq*). Through this contextual analysis, both scholars uncover new semantic nuances that may be understood as instances of semantic development within the framework of Qur'ānic discourse.

بررسی تطبیقی سیاق و رویکرد آن در پژوهش‌های قرآنی «فاضل صالح السامرای» و «بنت الشاطی»

اسد شهبازی^{الف*}، علی حسن بیگی^ب، فاطمه دست رنج^ج

^{الف} دانشجوی دکتری، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل (shahbazi.asad4747@gmail.com)

^ب استاد، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل (a-hasanbaji@araku.ac.ir)

^ج دانشیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل (f-dastranj@araku.ac.ir)

چکیده	واژگان کلیدی
فاضل صالح السامرای و بنت الشاطی، هر دو از قرآن‌پژوهان معاصر هستند. آنان در تفسیر قرآن از روش ادبی (بیانی) استفاده کرده‌اند، لذا تفسیر آنان ارتباط تنگاتنگی با مباحث ادبی دارد. آن دو، در تفسیر قرآن از قرینه سیاق استفاده فراوان کرده‌اند، مسئله اصلی این پژوهش نیز، بررسی کارکرد قرینه سیاق در تفسیر این دو قرآن‌پژوه می‌باشد. نگارنده با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی به این نتیجه رسیده است که این دو قرآن‌پژوه، قرینه سیاق را به معنای (قبل و بعد آیات) گرفتند و ضمن شباهت‌های فراوان در کاربرد قرینه سیاق به نظر می‌رسد که فاضل السامرای با گرایش نحوی و با روش سنتی یعنی به کمک نظریه‌ی نظم عبدالقاهر جرجانی بیشتر در روش خود از سیاق خاص (سوره و آیه) و بنت الشاطی هم با گرایش بلاغی و با روش تجددگرایی، یعنی آشنایی با شیوه مطالعات خاورشناسان در حوزه‌های قرآنی، بیشتر از سیاق عام (کل قرآن) استفاده کرده است. آن‌ها با نشان دادن جلوه‌های ادبی اعجاز قرآن، ضمن تأکید بر کلمات کلیدی آیات در ارتباط با کلمات به‌کاررفته در متن قرآن، زیبایی‌های لفظی و معنایی قرآن را کشف و در اختیار مخاطبان قرار داده و ثابت کردند که چگونه هر واژه‌ای در جای خود آن‌چنان مستقر است که امکان جابه‌جایی با لفظ دیگر حتی با لفظ مشابه را ندارد، زیرا با روح کلمه و کلام یعنی سیاق پیوند خورده است و به ظرافت‌های معنایی تازه‌ای دست‌یافته‌اند که می‌توان آن را توسعه معنایی در بستر سیاق تلقی کرد.	سیاق، تفسیر ادبی، فاضل صالح السامرای، بنت الشاطی. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

دراسة مقارنة لمنهج السياق في الدراسات القرآنية عند فاضل صالح السمرائي و بنت الشاطي

اسد شهبازی^أ، علی حسن بیگی^ب، فاطمه دست رنج^ج^أ طالب دكتوراه، قسم اللهيات، كلية العلوم الإنسانية، جامعة أراك، أراك، إيران، البريد الإلكتروني: shahbazi.asad4747@gmail.com^ب أستاذ، قسم اللهيات، كلية العلوم الإنسانية، جامعة أراك، أراك، إيران، البريد الإلكتروني: a-hasanbagi@araku.ac.ir^ج أستاذ مشارك، قسم اللهيات، كلية العلوم الإنسانية، جامعة أراك، أراك، إيران، البريد الإلكتروني: f-dastranj@araku.ac.ir

الكلمات المفتاحية:	الملخص
السياق، التأويل الأدبي، فاضل صالح السمرائي، بنت الشاطي	يُعدّ كلٌّ من فاضل صالح السمرائي و بنت الشاطي من علماء القرآن المعاصرين. وقد اعتمدا المنهج الأدبي (التقريبي) في تفسير القرآن، ولذا فإنّ تفسيرهما وثيق الصلة بالمواضيع الأدبية. كما وظّفا القياس السياقي على نطاق واسع في تفسيرهما للقرآن، وتتمحور هذه الدراسة حول بحث وظيفة القياس السياقي في تفسير هذين العالمين. باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، توصل المؤلف إلى استنتاج مفاده أن هذين العالمين القرآنيين قد أخذوا القياس السياقي بمعنى (قبل الآيات وبعدها)، وبالإضافة إلى أوجه التشابه العديدة في تطبيق القياس السياقي، يبدو أن فاضل السمرائي، ذو توجهه النحوي والمنهج التقليدي، أي بمساعدة نظرية الترتيب عند عبد القاهر الجرجاني، قد استخدم سياقاً أكثر تحديداً (السورة والآية) في منهجه، بينما استخدمت بنت الشاطي، ذات التوجه البلاغي والمنهج الحديث، أي الإلمام بمنهج دراسات المستشرقين في المجالات القرآنية، سياقاً أكثر عمومية (القرآن الكريم بأكمله). من خلال إظهار المظاهر الأدبية لمعجزة القرآن، مع التركيز على الكلمات الرئيسية للآيات فيما يتعلق بالكلمات المستخدمة في نص القرآن، اكتشفوا وأتاحوا للجمهور الجمال اللفظي والدلالي للقرآن، وأثبتوا كيف أن كل كلمة راسخة في مكانها بحيث لا يمكن استبدالها بكلمة أخرى، حتى بكلمة مشابهة، لأنها مرتبطة بروح الكلمة والخطاب، أي السياق، وقد حققوا دقة دلالية جديدة يمكن اعتبارها تطوراً دلاليًا في السياق.
تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٥/٢٣	
تاريخ المراجعة: ١٤٠٤/٠٦/٠٧	
تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٦/١١	

۱- طرح مسئله

تفسیر قرآن، دانشی است که در هر عصر و دوره‌ای و نسلی به آن نیازمند هستند؛ البته در چگونگی تفسیر کردن قرآن اختلاف‌نظرهایی بوده و هست، گروهی روش صحیح تفسیر را رجوع به پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) یا صحابه و تابعان و روایات و آثار تفسیری آنان دانسته و به مکتب تفسیری روایی محض گرویده‌اند و گروهی دیگر در تفسیر قرآن به عقل و گروهی به خود قرآن گرایش پیدا کرده‌اند و همین‌طور باعث شکل گرفتن جریان‌های تفسیری شده است و در این میان گروهی بر این باورند که تفسیر قرآن براساس آرایه‌های ادبی و نکات صرفی و نحوی امکان‌پذیر است و آشنایی و تسلط بر زبان عربی برای مفسر لازم است (محمد اسعدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۳۶).

از آنجاکه فهم آیات قرآنی با مباحث ادبی گره خورده است، برخی از پژوهشگران قرآنی به تفسیر ادبی قرآن روی آوردند، فاضل صالح السامرای و بنت الشاطی از جمله دانشمندان علم نحو و زبان‌شناسی بوده‌اند که توانسته‌اند با تکیه بر نظم قرآنی، بسیاری از زیبایی‌های قرآن را بیان کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. آن‌ها به بحث درباره برخی از واژگان در آیات قرآن پرداختند و تلاش کردند دلیل گزینش واژه یا حرکت حرفی در آیه را با تکیه بر سیاق چه سیاق لغوی و چه سیاق موقعیتی بیان کنند و همین آیه را با آیات مشابه خود در همان واژه یا حرکت مقایسه کرده و دقت فوق‌العاده قرآن را در گزینش واژه یا حرکت، نشان دهند و ثابت کردند که دو واژه یا حرکت با وجود مشابهت دو آیه از جهت لفظی قابل جایگزینی نیستند.

شایان ذکر است که کارکرد سیاق نزد مفسران از ابتدای ظهور تفاسیر تاکنون دارای روندی تکاملی بوده، هرچند از نظر کمی یا کیفی صورت‌های متفاوتی داشته است.

بنابراین، درباره قرینه سیاق پژوهش‌های گوناگون صورت گرفته ولی در هیچ یک از پژوهش‌های گذشته، مقایسه ی کارکردهای قرینه سیاق در تفسیر این دو قرآن پژوه مطرح نبوده است.

لذا در این نوشتار کارکرد سیاق از نظر این دو پژوهشگر معاصر (فاضل صالح السامرای و بنت الشاطی) انتخاب شده و سعی بر آن است که به این سؤالات پاسخ داده شود.

۱- سیاق نزد فاضل صالح السامرای و بنت الشاطی چه معنا و مفهومی دارد؟

۲- کارکردهای سیاق در تفسیر این دو قرآن پژوه چیست؟

۳- در کاربست سیاق در تفسیر این دو قرآن پژوه، چه اختلاف و اشتراکاتی وجود دارد؟

۲. مفهوم‌شناسی

معنای لغوی آن در کتاب العین: (سوق: سقته، و ریته سوق سیاقاً ای یزنع نزعاً یعنی الموت) به معنای جان کندن، موت و نیز در جای دیگر به معنای طریقه و سبک و روش می‌باشد (فراهیدی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹). وقتی با مضاف‌الیه کلام می‌آید به معنی اسلوب و روش سخن است (در مفردات، راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۳۶ با مضاف‌الیه ابل یعنی راندن شتر)، سقتُ المهر الی الامراه: یعنی مهریه زن را پرداخت کردم (در آن زمان شتر مهریه زنان بوده است) و گاهی آن را «سواق» می‌دانند که حرف واو قلب به یاء شده است (طریحی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۸) و در لسان العربیه معنای راندن آمده است. السوق: معروف ساق الابل و غیرها یسوقها سوقاً و سیاقاً، و هو سائقٌ و سواقٌ، سدد للمبالغه (ابن منظور، ۱۹۹۰، ج ۱۰، ص ۱۳۶).

سیاق در اصطلاح عبارت است از: موقعیت خاص واژه یا جمله بر اثر هم‌نشینی با واژه‌ها یا جملات دیگر (حسن بیگی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸)، به عبارت دیگر، سیاق نوعی ویژگی برای کلمه یا جمله است که بر اثر همراه بودن آن کلمه‌ها و جملات دیگر پدید می‌آید (علی اکبر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷).

کاربرد واژه سیاق در میان مفسران و اصولیان و ادیبان دارای پیشینه دیرین است. شافعی، ابن حجر عسقلانی، طبری، طوسی، سید مرتضی از این کلمه استفاده کرده‌اند ولی هیچ‌یک درصدد تعریف آن برنیامده‌اند تا اینکه در دوره معاصر، محمدباقر صدر،

برای نخستین مرتبه آن را تعریف کرده است (صدر، ۱۹۷۸م، ص ۱۳۰). پس از او، دیگران نیز درصدد تعریف سیاق بر آمدند (حسینی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲۵؛ نجمی و هریسی، ۱۳۶۱ش، ص ۵۱؛ رجبی، ۱۳۹۴ش، ص ۸۶؛ بابایی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۲۷) و نهایتاً علی حسن بیگی در مقاله «بررسی سه رویکرد درباره تفسیر آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت بر پایه بازخوانی جمله معترضه» (۱۳۹۹/۴/۲۶) به صورت روشمند به تعریف و بررسی سیاق پرداختند و این تعریف از سیاق را ارائه نمودند: سیاق در اصطلاح عبارت است از: موقعیت خاص واژه یا جمله بر اثر هم‌نشینی با واژه‌ها یا جملات دیگر (علی حسن بیگی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸).

۳. آشنایی مختصر با فاضل صالح السامرای

فاضل السامرای از نویسندگان و دانشمندان و ادیبان علم نحو است که توانسته در آثار خویش نحو را به مسیر و غرض اصلی یعنی شناخت اسرار جمله عربی برگرداند.

فاضل صالح السامرای، اهل عراق و متولد سال ۱۹۳۳م در قبیله (البدری) در سامرا و در خانواده متوسط از جهت اقتصادی، ولی بلندمرتبه از جهت اجتماعی و دینی چشم به جهان گشود. تحصیلات وی در رشته زبان و ادبیات عربی است که مدرک فوق‌لیسانس خودش را از دانشگاه بغداد و مدرک دکتریش را از دانشگاه عین الشمس قاهره دریافت کرده است (میر حاجی، ۱۳۹۲ش ص ۹). وی از دانشمندان علم نحو و زبان‌شناسی بوده و توانسته است با تکیه بر نظریه‌ی نظم عبدالقاهر جرجانی به‌طور تطبیقی بسیاری از زیبایی‌های قرآن را بیان کند و از آثار او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ابن جنیّ النحوی؛ ۲- الدراسات النحویه و اللغویه عند الزمخشری؛ ۳- مسئله بیانیه فی القرآن الکریم؛ ۴- التعبیر القرآنی؛
- ۵- بلاغه الكلمه فی التعبیر القرآنی؛ ۶- علی طریق التفسیر البیانی (۲ جلد)؛ ۷- قبسات من البیان القرآنی؛ ۸- من اسرار البیان القرآن الجملة العربیه تألیفها و اقسامها؛ ۹- لمسات بیانیه من نصوص من التنزیل؛ ۱۰- الجملة العربیه و المعنی؛ ۱۱- مراعاة المقام فی التعبیر القرآنی؛ ۱۲- معانی النحو (۲ جلد).

۴. آشنایی مختصر با عایشه عبدالرحمان (بنت الشاطی)

عایشه عبدالرحمان، معروف به بنت الشاطی، از اندیشمندان جهان عرب و از قرآن‌پژوهان معاصر است که در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م در دمیاط مصر متولد شد و نزد پدرش ادبیات عربی و قرآن آموخت. تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات عربی دنبال کرد و بعد از آن در برخی از دانشگاه‌ها مشغول تدریس شد. وی در دانشکده ادبیات قاهره با امین خولی آشنا شد و سخت شیفته‌ی نظریات امین خولی گشت و در روش تفسیر از مکتب ادبی، که استادش امین خولی آن را ترویج می‌کرد، تأثیر پذیر بوده است. از این‌رو در مطالعات قرآنی خود به مکتب ادبی مطابق با طرح امین خولی روی آورد و همواره از او متأثر بود، به‌طوری که بسیاری از تألیفات خود را به وی اهدا کرده است و از شاگردان امین خولی بوده و در عملی ساختن طرح تفسیر ادبی تلاش‌های زیادی انجام داده است. بنت الشاطی بیش از ۶۰ اثر در زمینه‌های مختلف از قبیل ادبیات، فقه، قرآن، تاریخ، رجال و سیره دارد (بنت الشاطی، ۱۹۶۲، ج ۱، ص ۱۴).

از مشهورترین آثار قرآنی وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- التفسیر البیانی للقرآن الکریم، در دو جلد (جلد اول آن به تفسیر هفت سوره کوتاه از جز آخر قرآن می‌پردازد: ضحی، شرح، زلزله، عادیات، نازعات، بلد، تکاثر و جز دوم آن نیز هفت سوره کوتاه دیگر را شامل می‌شود: علق، قلم، عصر، لیل، فجر، همزه، ماعون).

۲- الاعجاز البیانی للقرآن الکریم و مسائل نافع بن ازرق

۳- القرآن و التفسیر العصری

۴- القرآن و قضایا الانسان

۵- مقال فی الانسان (دراسة قرآنیة)

۶- الشخصیه الاسلامیه (دراسة قرآنیة)

۵. احیای نظریه نظم توسط فاضل السامرای

ردپای نظریه نظم جرجانی در اغلب آثار فاضل السامرای به چشم می‌خورد. در حقیقت نظریه نظم را عبدالقاهر جرجانی مطرح کرد و بعد از مدتی این نظریه متروک ماند تا در زمان فاضل السامرای که خودش آن را عملیاتی کرد.

از طرفی، فاضل السامرای در کتاب «معانی النحو» که یک نمونه تمام عیار از اجرای دقیق و کامل نظریه نظم است کلیه مباحث نحوی را با استشهاد به آیات شریفه قرآن کریم معنایابی کرده و ظرافت‌ها و لطافت‌های تعبیر قرآنی و بهره‌گیری قرآن از ظرفیت‌های تعبیری زبان عربی را به‌خوبی اثبات نموده است. ایشان در این کتاب به‌طور مکرر به کتاب «دلائل الاعجاز» جرجانی ارجاع داده و این نکته را به ذهن متبلور می‌سازد که منشأ بسیاری از برداشت‌ها و تحلیل‌های او در مسائل نحوی برگرفته از اندیشه‌های جرجانی می‌باشد.

سامرای در کتاب «معانی النحو» می‌گوید: «وجوه نحوی گوناگون آن‌گونه که برخی تصور می‌کنند صرفاً به معنای کثرت تعبیرهای مختلف و بیهوده نیست و جواز وجوه عربی مختلف به این معنا نیست که این حالات اعرابی و این تعبیر مختلف معنای یکسانی دارند بلکه هر تعبیری معنای انحصاری خود را دارد و هرگونه عدول از تعبیری به تعبیر دیگر با تغییر در معنا همراه است زیرا این صورت‌های تعبیری مختلف برای صورت‌های معنایی مختلف شکل گرفته‌اند» (السامرای، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۹). عبارت مذکور یادآور اصل دوم نظریه نظم است که نحو را محور کلام می‌داند. سامرای مانند جرجانی به این مهم اشاره می‌کند که وجوه نحوی مختلف با هدف تفنن در تعبیر صورت نمی‌پذیرد بلکه ورای هر ترکیبی معنایی خاصی نهفته است و عدول از تعبیری به تعبیر دیگر با تغییر معنا همراه است.

از طرف دیگر، فاضل السامرای در کتاب «اسئله بیانیة فی القرآن الکریم» پیرامون آیات ۲۶ تا ۲۸ سوره مبارکه نساء (رُئِدَ اللهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ يُمْلَأُوا مِثْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ اللهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ ۗ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾) این سؤال را مطرح می‌کند که چرا لفظ جلاله «الله» در آیه ۲۷ بر فعل «یرید» مقدم شده است؟ در حالی که در آیه قبل و بعد چنین اتفاقی صورت نگرفته است. طرح چنین سؤالاتی، حاکی از آن است که وی نیز مانند عبدالقاهر به معنای ثانوی و معنای برخاسته از ساختار نحوی قائل می‌باشد و در پی اثبات بلاغت قرآن از طریق معانی النحو آن است (سامرای، ۲۰۰۸م، ص ۴۲).

و بالاخره اینکه در برخی از نوشته‌ها و حتی در مقالات، نویسندگانی به این مسئله اشاره کردند که آثار و تألیفات سامرای متأثر از نظریه عبدالقاهر جرجانی است که از بین آن‌ها می‌توان به مقاله «بررسی آثار فاضل السامرای بر پایه‌ی نظریه نظم جرجانی با استناد به قرآن کریم» از سید ابوالفضل سجادی، محمد جرفی، قاسم مختاری، مطهره فرجی در فصلنامه علمی - پژوهشی سال هفتم، شماره اول بهار ۱۳۹۸، اشاره کرد.

۶. کاربرد سیاق توسط فاضل السامرای

از آنجاکه پیش‌تر گفته شد، به نظر می‌رسد که صالح السامرای سیاق را به معنای (قبل و بعد آیات) گرفتند و کیفیت بهره‌مندی از سیاق در نظر وی شامل مواردی است که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

۱-۶. آیات مشابه: فاضل السامرای برای استفاده از سیاق، آیات مشابه را در کنار هم قرار داده و به رابطه و چگونگی گزینش کلمات قرآن پرداخته تا با به‌کارگیری قرینه سیاق ثابت کند هر واژه چنان استوار در متن به‌کاررفته که امکان جایگزینی با واژه مشابه نیست.

چرا در دو آیه مشابه از دو کلمه هم‌معنا استفاده شده است؟ آیا امکان جابه‌جایی آن دو ممکن است؟

۱- فَأَصَابَكُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (نحل/۳۴)

۲- وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (جاثیه/۳۳)

۳- وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (زمر/۴۸)

۴- فَأَصَابَكُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبْتُمْ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (زمر/۵۱)

انتخاب لفظ (عمل) در دو آیه اول و (کسب) در دو آیه بعد، به خاطر آیات قبل و بعدی است که این لفظ در آن‌ها تکرار شده است، یعنی فاضل السامرائی در حقیقت از سیاق آیات کمک می‌گیرد و انتخاب کلمه مختلف در آیات مشابه را توجیه می‌کند. حال اگر به آیات قبل و بعد این آیات دقت کنیم، این موضوع آشکار می‌شود (فاضل السامرائی، ۱۴۲۹ م، ص ۲۳۸-۲۳۷).

۲-۶. فروق آیات: فاضل السامرائی برای استفاده از سیاق، به تفاوت‌های تعبیر بین آیات نیز توجه کرده و بیان می‌کند که این تعبیر مختلف به جهت حکمتی و تناسبی هست که در قبل و بعد آیات وجود دارد.

چرا در دو آیه قرآن کریم، برای عذاب اخروی، تعبیر مختلفی به کار رفته است؟ آیا امکان جابه‌جایی این تعبیر هست؟ به این آیات توجه کنید:

- كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (حج/۲۲)

- وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (سجده/۲۰)

در سوره مبارکه حج «عذاب حریق» به کار رفته چون سخن درباره کافرین است (فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ) - (حج/۱۹). اما در سوره مبارکه سجده «عذاب حریق» به کار رفته چون سیاق آیه درباره فاسقین است «وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ».

حریق همان اغراق در سوختن و شدت آن است (آلوسی ۱۳۱۰، ق، ۱۲۲/۱۷). لذا برای کافرین حریق است بنابر سیاق کافرین عذابشان از فاسقین بیشتر است. پس برای کافرین «حریق» و برای فاسقین «نار» به کار رفته است (فاضل السامرائی، ۱۴۲۹ م، ص ۲۷۳-۲۷۲).

۳-۶. قواعد و ساختار زبانی

ادیب عراقی، فاضل سامرائی در آثار متعددی از خود، به ساختار و قواعد زبان پرداخته و در آنجا ضمن ارائه نکات قواعدی و دستوری، رسیدن به معنای واژه یا عبارت را از طریق سیاق مطرح نموده است که در اینجا (در حدی که به استفاده ایشان از سیاق اشاره کرده باشیم) به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۳-۶. ذکر و حذف

با قرینه قرار دادن آیات می‌توان متوجه ذکر یا حذف کلمه شد که این کلمات از جهت معنا مشترک ولی از جهت لفظ با هم اختلاف دارند. در این زمینه به یک مثال در مورد «حذف» اکتفا می‌شود:

آیهی «فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف/۹۷)

[هنگامی که سد ساخته شد] یا جوج و مأجوج نتوانستند بر آن بالا روند، و نتوانستند در آن رخنه‌ای وارد کنند.

واژه‌های «اسْتَطَاعُوا» و «اسْتَطَاعُوا» هر دو به معنی «توانستند» می‌باشد اما از نظر لفظ با هم اختلاف دارند و در اولی یک حرف حذف شده است.

از آنجاکه آیه در مورد سدّی است که ذوالقرنین آن را از سنگ آهن و مس مذاب ساخته بود که بالا رفتن از این سدّ آسان‌تر از سوراخ کردن آن برای سپاه بود، پس از فعل اول حرفی به دلیل آسان بودن کار حذف شده است. حذف از فعل، آسان‌تر بودن را نشان می‌دهد برخلاف عدم حذف که دلالت بر سخت و طولانی بودن کار دارد (محمود شهبازی، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

۲-۳-۶. ابدال

گاهی قرآن واژگان را با تغییر یا بدون تغییر به کار می‌برد: مثل «يَتَضَرَّعُونَ وَ يَضْرَعُونَ» و مثل «مَكَّةَ وَ بَكَّةَ» و «بسطه» و «بسطه».

آیا این ابدال و تغییر هدفی دارد؟ براساس نظر فاضل السامرای، هر تغییری در تعبیر قرآنی دلیلی دارد و تغییری بدون دلیل نیست. نمونه‌ایی در این زمینه آورده شده است:

- آیهی «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام/۴۲) ﴿

و بی تردید ما به‌سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛ پس آنان را [هنگامی که با پیامبران به مخالفت و دشمنی برخاستند] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [در پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند

و آیهی «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ» (اعراف/۹۴) ﴿

هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند

خداوند در سوره انعام می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ» و در سوره اعراف «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ»، زیرا افراد امت‌ها بیشتر از افراد یک منطقه می‌باشند یعنی فرستادن پیامبران در طول تاریخ وجود داشته و از آنجاکه یک امر مستمر و مدت‌دار است، فعلی که از نظر ساختار طولانی‌تر است یعنی «يَتَضَرَّعُونَ» به‌کاررفته ولی در سوره اعراف، فرستادن پیامبران به یک منطقه بوده است از «يَتَضَرَّعُونَ» به‌خاطر کوتاهی ساختار استفاده شده است.

از سوی دیگر در آیهی سوره انعام (ارسل الی) (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ) و در سوره اعراف (ارسل فی) (أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ) استفاده شده است. فعل «ارسل» با حرف الی برای تبلیغ بدون توقف در یک مکان می‌باشد. شما گاهی همراه فردی، نامه‌ای را می‌فرستید آن را می‌رساند و بر می‌گردد، اما «ارسل» با حرف اضافه فی که با القریه و المدینه همراه است، مناسب تبلیغ و توقف است زیرا فی معنای ظرفیت دارد، بنابراین «ارسل فی» به معنای اقامت پیامبر (ص) میان آن‌هاست که دستورات خداوند را به آن‌ها می‌رساند، آن‌ها را به یاد خداوند و نشانه‌ها می‌اندازد. بدون تردید پیامبر (ص) آن‌ها را به تضرع و اصرار بر آن دعوت می‌کند. از این رو صیغه‌ای که دلالت بر مبالغه و کثرت در کار است یعنی «لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» را می‌آورد. به همین سبب در قرآن هر کلمه‌ای را در جایگاه شایسته‌اش می‌بینیم (فاضل السامرای، ۱۴۲۹، ص ۴۳).

۳-۳-۶. معلوم و مجهول

با توجه به سیاق می‌توان گفت که: خداوند تزیین خیر را به خود نسبت می‌دهد و آن را با فعل معلوم بیان می‌کند مثل:

- إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بَرِيَّةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿صافات/۶﴾: همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم،

- لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿ملک/۵﴾

همانا ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم و آن‌ها را تیرهایی برای راندن شیطان‌ها قرار دادیم، و برای آنان [در آخرت] آتشی افروخته، آماده کرده‌ایم (فاضل السامرای، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۶۵).

و همچنین خداوند در عطا کردن و بخشیدن در مقام مدح را با فعل معلوم آورده و به خودش نسبت داده

- الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿بقره/۱۲۱﴾

کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کرده‌ایم، آن را به‌طوری که شایسته آن است قرائت می‌کنند [و آن قرائت نمودن با تدبر و به قصد عمل است] اهل ایمان به آن [کتاب] هستند و کسانی که به آن کفر می‌ورزند فقط آنان زیانکارند.

- الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿بقره/۱۴۶﴾

اهل کتاب، پیامبر اسلام را [براساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده‌اند] می‌شناسند، به‌گونه‌ای که پسران خود را می‌شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را درحالی که می‌دانند، پنهان می‌دارند (همان، ج ۲، ص ۶۶).

و نیز عطا کردن و بخشیدن را در مقام ذم به شکل مجهول آورده است و فاعل را حذف کرده:

﴿لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۱۰۱)

و زمانی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده کتابی است که با آنان است، گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود [با کمال گستاخی] کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند]، گویی نمی‌دانند [که کلام خداست].

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿آل عمران/۱۹﴾

مسلماً دین [واقعی] که همه پیامبران مبلّغ آن بودند [نزد خدا، اسلام است. و اهل کتاب [درباره آن] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را [نسبت به حقایق آن] آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی، سریع است (فاضل السامرائی، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۶۶).

۴-۳-۶. تقدیم و تأخیر

در قواعد و ساختار زبان عربی اصل بر این است که فاعل بر مفعول مقدم شود اما گاهی، مفعول بر فاعل مقدم می‌شود مثل:

﴿إِنْ مَسَسَكُمْ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿آل عمران/۱۴۰﴾

اگر [در جنگ احد] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید. و ما این روزها [پیروزی و ناکامی] را [به‌عنوان امتحان] در میان مردم می‌گردانیم [تا عبرت گیرند] و خدا کسانی را که [از روی حقیقت و خلوص] ایمان آورده‌اند، مشخص کند و از میان شما گواهانی [نسبت به پیروزی‌ها که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست‌ها که محصول نافرمانی و بی‌تقوایی است] بگیرد؛ و خدا ستمکاران را [که با سستی و بی‌تقوایی بر خود ستم می‌کنند] دوست ندارد

در این آیه شریفه «القوم» یعنی مفعول بر «فرح» فاعل مقدم شده است. این آیه درباره جنگ احد نازل شده که در آن مسلمانان بسیار از طرف دشمنان آزار و اذیت شدند و بسیاری از سربازان به شهادت رسیدند و حتی خود پیامبر(ص) در این جنگ آسیب دیدند اما خداوند این آیات را نازل فرمودند تا به مسلمانان این نکته را گوشزد کنند که اگر در این جنگ به شما آسیبی رسید، مثل آن به دشمنان هم رسید. در حقیقت این نکته را یادآوری می‌کند که اینجا اصل بر زخم و جرح نیست بلکه اصل بر اصابت زخم و جرح است. لذا «القوم» را مقدم کردند تا به مسلمانان دلداری داده و از حزن و اندوه آنان بکاهد (فاضل السامرائی، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۴۸).

جمع بندی

فاضل السامرائی از جمله کسانی است که توانسته در آثار خودش علم نحو را به مسیر و غرض اصلی یعنی شناخت اسرار جمله عربی برگرداند. وی از دانشمندان علم نحو و زبان‌شناسی بوده و توانسته است با تکیه بر نظریه‌ی نظم عبدالقاهر جرجانی به‌طور تطبیقی، بسیاری از زیبایی‌های قرآن را بیان و در اختیار علاقه‌مندان به این کتاب گران‌سنگ قرار دهد، به بیان دیگر، می‌توان او را یک پژوهشگر قرآنی سنتی تلقی کرد که پیرو جرجانی و زمخشری بوده و بر نظریات آن‌ها تکیه کرده است.

۷. تأثیر آشنایی با مطالعات خاورشناسان بر رویکرد بنت الشاطی (تجددگرایی)

بنت الشاطی در مقدمه تفسیر بیانی خود با تأکید بر ضرورت مطالعه روشمند ادبی نسبت به قرآن کریم، قبل از هر چیز، شیوه تفسیری خود را مطابق با طرح تفسیری امین خولی معرفی کرده است (بنت الشاطی، ۲۰۰۴م، ج ۱، ص ۱۵). وی در دانشکده ادبیات قاهره با امین خولی آشنا شد و در مطالعات قرآنی خود به مکتب ادبی مطابق با امین خولی به‌دست داده بود، روی آورد و همواره از او متأثر بود، به‌طوری که بسیاری از تألیفات خود را به ایشان اهدا کرده است. پیشینه‌ها و علاقه‌مندی ادبی

بنت الشاطی سبب شد وی در دوران تحصیل شیفته‌ی درس‌های امین خولی (۱۳۴۵ش/۱۹۶۶م) شود و در مطالعات قرآنی بعدی خود، روش و مکتب ادبی را برگزیند که بنیان‌گذار آن امین خولی بود. حضور چهار ساله خولی در آلمان و روم و آشنایی وی با زبان‌های آلمانی و ایتالیایی و در نتیجه پژوهش‌های قرآنی آنان را نمی‌توان بدون تأثیر بر طرح تفسیر ادبی‌اش ارزیابی کرد. به همین دلیل بنت الشاطی عمده‌تعدادی از سوره‌های کوتاه قرآن را برای تفسیر انتخاب کرد تا نتایج حاصل از به‌کارگیری روش خولی را به طریقی فوق‌العاده مؤثر نشان دهد.

امین خولی-استاد بنت الشاطی-را می‌توان از چهره‌های اصلاح‌طلب و نواندیش زمان خود به‌شمار آورد. او این جمله را سرلوحه تلاش‌های علمی و فکری و حرکت اصلاح‌طلبانه‌اش قرار داد که «اول التجدید، قتل القدیم فهما» نخستین گام نواندیشی آن است که فهم گذشته را سر ببری. وی همچنین نخستین گام در راه نواندیشی را در مقاله «بلاغت» و سپس «تفسیر» برداشت و تلاش‌های فراوانی در این زمینه داشت (محمد اسعدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۲).

از مهم‌ترین عوامل و انگیزه‌های امین خولی و بنت الشاطی که به تفسیر ادبی روی آوردند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- آشنایی با مطالعات غربیان در حوزه ادبیات و نقد ادبی؛

۲- آشنایی با شیوه مطالعه خاورشناسان در حوزه مطالعات قرآنی؛

۳- اشکال‌ها و شبهه‌های مطرح شده از سوی خاورشناسان نسبت به برخی گزاره‌های تاریخی قرآن (همان، ص ۳۶۸).

تفسیر ادبی در تقابل با تفسیر سلفی است. روش تفسیر سلفی، روشی خاص در کنار سایر روش‌ها نیست؛ زیرا سلفی ادعا می‌کند تنها گزارش‌کننده تفسیر صحابه و تابعین است، نه آنکه در پی ایجاد روشی نو در تفسیر باشد (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۸)، اما در تفسیر ادبی، مفسر توجه خاصی به متن دارد و پیوستگی متن آیات را دنبال می‌کند. بنت الشاطی نیز در کتاب القرآن و التفسیر العصری در نقد تفسیر عصری می‌گوید: «آن‌ها که اصرار بر تفسیر عصری قرآن کریم دارند، فرزندان ما را گمراه کرده، فهم صحیح از قرآن را کنار می‌زنند، همان فهمی که صحابه در عصر بعثت داشتند و مکتب نبوت آن را ترویج می‌کرد. اینان باید بدانند که تفسیر عصری از بدعت‌های زمان است.» (بنت الشاطی، ۲۰۰۴، ص ۱۱ و ۱۲؛ شرفاوی، ۲۰۰۴، ص ۴۱۸).

۸. کاربرد سیاق توسط بنت الشاطی

از آنجاکه پیش‌تر گفته شد، به نظر می‌رسد که بنت الشاطی سیاق را به معنای «قبل و بعد آیات» گرفتند و کیفیت بهره‌مندی از سیاق در نظر وی شامل مواردی است که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

۸-۱. لزوم تفسیر موضوعی قرآن:

بنت الشاطی از جمله میرزترین شاگردان امین خولی بوده که در عملی ساختن طرح تفسیر ادبی گام برداشت. وی در مقدمه تفسیر بیانی با تأکید بر ضرورت مطالعه روشمند ادبی نسبت به قرآن کریم، قبل از هر چیز، شیوه تفسیر خود را مطابق با طرح تفسیری امین خولی معرفی کرده و ضوابط و قواعد آن را برشمرده (بنت الشاطی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵).

ناکارآمدی تفسیر ترتیبی و ضرورت روی آوردن به تفسیر موضوعی یکی از مؤلفه‌های روشی تفسیر ادبی معاصر از دیدگاه امین خولی می‌باشد. به این معنا که قرآن، براساس حکمت‌های پیدا و پنهان به‌شیوه‌ای منحصربه‌فرد و متفاوت با دیگر کتاب‌های دینی و غیردینی تنظیم شده است. آیات آن به‌صورتی موضوعی مرتب و تنظیم نشده است تا هر موضوعی تنها در باب و فصل خودش آمده باشد. همچنین قرآن کریم براساس ترتیب نزول نیز مرتب نشده است. براین‌اساس، روشن است تفسیر سوره‌به‌سوره و جزیه‌جز قرآن، فهم دقیق و درک صحیحی از معانی و مقاصد آن را به‌دست نمی‌دهد، مگر آنکه به‌صورت موضوعی تفسیر شده و همه آیات مربوط به یک موضوع در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر دیده شوند.

بنت الشاطی نیز می‌گوید: «برای فهم اسرار یک تعبیر در قرآن کریم از طریق سیاق، خود را متعهد می‌دانیم که به آنچه آیه و روح آن اقتضا می‌کند پایبند بمانیم، سپس اقوال مفسران را بر معنای آیه برآمده از نص عرضه می‌داریم و تنها دیدگاهی را می‌پذیریم که نص آیه پذیرای آن باشد و از اسرائیلیات و آراء نادرست و تأویل‌های بدعت‌آمیز دوری می‌کنیم (بنت الشاطی، ۱۹۶۲،

در حقیقت این روش که علماء آن را با اندیشه «القرآن یفسر بعضه بعضا» می‌شناسند، اساساً رویکرد تازه‌ای به تفسیر نیست. این روش که شاطبی به آن تحت‌عنوان «الموافقات» - به این معنا که مفهوم «کلام الله هو کلام واحد» - اشاره می‌کند (شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۳، ۲۸۴)، ابن تیمیه، زرکشی، زمخشری نیز این روش را تدبیر کرده و از این رویکرد استفاده کرده‌اند.

علی‌رغم مفید بودن این روش، براساس گفته‌های بنت الشاطبی، مفسران معدودی آن را به‌صورت ناقص یا کامل یا به‌نحوی که سیاق آیه‌ی خاصی از قرآن را نشان دهد، به کار برده‌اند. بنت الشاطبی با آگاهی از مشکلات تفسیری موجود، در مقدمه تفسیر خود اظهار می‌دارد که «اصول این روش در تفسیر، دریافت موضوعی است. این روش به مطالعه موضوعی واحد در قرآن اختصاص دارد، بنابراین، تمامی آیات قرآن که از این موضوع سخن می‌گویند، به‌منظور درک کاربردهای معمول کلمات و اسلوب‌های قرآنی، آن هم پس از جست‌وجوی معنای اصلی زبان‌شناسی آن‌ها، گرد هم آورده می‌شود (بنت الشاطبی، ۱۹۶۲، ج ۱، ص ۱۰).

برای روشن شدن بحث در این زمینه چند نمونه در ذیل آورده شده است:

۱- همچنین در تفسیر سوره بلد آیه ۴ (لا اقسام بهذا البلد...) با توجه به سیاق، او معتقد است که مقصود از «کید» تحمل بار مسئولیت تکلیف و مشقت اختیار بین خیر و شر است که در فطرت بشر قرار داده شده است (همان، ج ۱، ص ۱۷۹).

۲- همچنین پنج آیه‌ی اول سوره مبارکه نازعات را در پیوند با یکدیگر معنا کرده و مقصود از آن‌ها را نه فرشتگان و بادها و ارواح و... بلکه اسبانی می‌داند که برای جنگ و غارت از آن‌ها استفاده می‌شود (همان، ص ۱۲۴-۱۳۰).

۲-۸. استفاده از منابع لغوی در تفسیر و تبیین دلالت و معنای الفاظ قرآن (تفسیر لغوی)

از جمله مؤلفه‌های تفسیر بنت الشاطبی، تبیین دلالت و معنای الفاظ قرآن مطابق فهم مردم عصر است. وی در مقدمه تفسیرش در این خصوص می‌نویسد: «روش ما در اینجا استقراء لفظ قرآنی در تمام مواضع ورودش در قرآن است تا به دلالت آن دست یابیم و ظاهر اسلوبش را بر تمام نظایرش در قرآن عرضه نماییم، سپس در سیاق خاص (سوره و آیه) و عام (کل قرآن) آن تدبیر نماییم تا به سرّ بیانی و معنای حقیقی آن برسیم، در این راه، معاجم لغوی و کتب تفسیر را به خدمت می‌گیریم و سعی می‌کنیم با بررسی کاربردهای آن حسّ عربی الفاظ را درک نماییم... قول به دلالت خاص برای الفاظ قرآنی، سایر دلالت معاجم را تخطئه نمی‌کند... بلکه مقصود این است که بگوییم قرآن معجم ویژه و بیان معجز مخصوص به خود را دارد» (عایشه، ۱۹۶۸، ۸/۲-۷).

وی همچنین می‌گوید: «فرض ما این است که همان روحیه و زبان عربی، زبان قرآن است، بنابراین برای فهم الفاظ قرآن، لازم است همان دلالت لغوی اصیلی را که حسّ عربی به ما می‌بخشد، پیگیری کنیم و از طریق به‌دست آوردن کاربردهای مادی و مجازی لفظ، به معنای اصلی برسیم» (عایشه، ۱۹۶۲، ۱۱/۱). او ادامه می‌دهد: «برای طی این مرحله لازم است تمام کاربردهای یک واژه در قرآن را با سیغ‌های مختلفی که دارد، بررسی و سپس در سیاق خاص و عام آیه آن‌ها تدبیر کنیم تا به معنای حقیقی برسیم» (همان).

تلاش مؤلف در این فرایند آن است که با بررسی و مقایسه موارد کاربرد واژه در تمام قرآن به یک معنای حقیقی واحدی برای واژه مورد نظر برسد که با هیچ واژه دیگری مترادف تلقی نشود. وی براساس آنچه که بیان کرده است، در دستیابی معنای واژگان به دو امر توجه دارد؛ اول: بهره‌گیری از حسّ و ذوق ادبی، دوم: به‌دست آوردن کاربرد مادی و مجازی واژگان.

به‌عنوان نمونه در مورد اول، مؤلف در تفسیر آیه «كُلُّكُمْ لَنَا أَوْلِيَاءٌ نَحْنُ كَفَرْنَا بِهِ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَكُم بِلَاغَاتِهِ أَنَّكُمْ تَحِبُّونَ الْكُفْرَ» (تکواثر/۸) آن‌گاه شما در آن روز از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد. درباره واژه «نعیم» ابتدا اقوال مفسران را ذکر می‌کند چون آن‌ها در معنای نیم اختلاف دارند، مطابق شمارش فخررازی نه قول در معنای نعیم ذکر شده، کمترین آن‌ها نعلین و بالاترین آن‌ها رسول خدا(ص) است و میان این دو، این نعمت‌ها می‌آید: تخفیف شرایع، آسان ساختن قرآن، طعام، شراب، مسکن، استراحت، لذت خواب، سلامت جسم، تناسب در اندام و... پس از آنکه اقوال مختلف مفسران را ذکر می‌کند، می‌نویسد: «آیا این بیان عالی قرآن می‌تواند در یک موضع، متحمل همه این معانی متفاوت باشد و آیا ذوق خالص اجازه می‌دهد که نعیم در آیه به کفش (نعلین) تأویل و تفسیر شود، همان‌طور که به پیامبر تفسیر می‌شود؟» (عایشه، ۱۹۶۲، ۲۱۳/۱؛ و نیز، طیب حسینی، ۱۳۸۷، ۱۹).

ایشان برای بیان معنی «نعیم» بعد از بیان اقوال مفسران و معانی آن در کتب لغت، تمام آیات قرآن که واژه نعیم در آن‌ها به‌کاررفته، ذکر کرده (مثل آیه ۲۰ لقمان، ۱۱۲ سوره نحل، ۱۲۱ سوره نحل، ۲۱ توبه، ۲۰ انسان، ۱۲ واقعه، ۳۴ قلم،... سپس به سیاق آیه توجه کرده که با توجه به انذار و تهدیدی که در آیه آمده، نعیم منحصرأ در همه‌جا به نعیم آخرت اختصاص دارد و نمی‌تواند نعمتی از نعمت‌های دنیا باشد و این با فضای سوره هماهنگ است که آنان در روزی که به علم‌الیقین برسند و جحیم را به عین‌الیقین مشاهده کنند، تنها از نعیم حقیقی که از دست داده‌اند و تباہ ساخته‌اند، سؤال می‌شوند.

در امر دوم، در تفسیر آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» ﴿نازعات/۴۲﴾ همواره از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟ در معنی «ساعة» می‌نویسد: در عربی به معنی جزیی از وقت است که محدود در شصت دقیقه شده است و اگر با «آل» عهد به کار رود، منظور وقت زمانی حاضر است؛ لیکن قرآن برای ساعه «کاربرد ویژه» دارد و آن این است که اگر به‌صورت نکره باشد، به معنی وقت کوتاه بدون مشخص بودن زمان آن با دقیقه است و اگر معرفه به «آل» باشد، همیشه به معنی ساعه آخرت است (عایشه، ۱۹۶۲، ۱۵۹/۱).

۳-۸. استغناء از روایات تفسیری

بنت الشاطی همچنین در تفسیرش جایگاهی برای تعبّد به روایات تفسیری نمی‌شناسد یعنی پذیرفتن بی‌چون‌وچرای روایات را نمی‌پذیرد. وی قاعده فهم اسرار تعبیر در قرآن کریم را داور قرار دادن سیاق معرفی می‌کند. حتی در مورد روایات سبب نزول سوره «لیل» که برخی از مفسران اهل سنت از جمله فخررازی نزول آن را منحصرأ در شأن ابی‌بکر دانسته و آن را غیرقابل تعمیم شمرده‌اند اما بنت الشاطی، دلالت آیه را عام و غیر منحصر در شأن فرد یا افرادی خاص دانسته است (التفسیر البیانی، ج ۲، ص ۹۷). وی گاهی، روایات سبب نزول را هم به نقد کشیده. برای نمونه در ذیل تفسیر سوره ضحی به روایتی اشاره کرده است که فترت وحی را ناشی از وجود توله سگی متعلق به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در خانه پیامبر(ص) می‌داند. سپس در نقد آن می‌نویسد: نمی‌دانم مفسران چگونه توجه نکردند که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) سه و چهار سال بعد از هجرت در مدینه به دنیا آمدند، درحالی‌که سوره ضحی در اوایل بعثت پیامبر(ص) نازل شده است (التفسیر البیانی، ج ۲، ص ۹۷). لذا بنت الشاطی در تفسیرش روی آوردن به سیاق را مورد توجه قرار داده و از تعبّد به روایات و از تأویل آیات پرهیز کرده است.

جمع‌بندی

بنت الشاطی برخلاف فاضل السامرائی که به علم نحو و زبان‌شناسی پرداخته، بیشتر به علم بلاغت توجه داشته و در تفسیر خود پیرو غرب و تجددگرایی شد چنانچه آشنایی با مطالعات غربیان در حوزه ادبیات و نقد ادبی می‌تواند یکی از زمینه‌ها و انگیزه‌های رویکرد ادبی معاصر باشد. بنت الشاطی از مفسران ادبی معاصر به‌شمار می‌رود و تفاوت مفسران ادبی معاصر با مفسران ادبی سنتی در این است که مفسران ادبی معاصر، طرح تفسیری خود را در واقع، همان مطالعه‌ی ادبی روشمند و متمرکز بر ابعاد ادبی قرآن، فارغ از جهات دیگری چون نگاه دینی به قرآن است یعنی در تفسیر خود، نگاه ادبی داشته و به مذهب و روایات تفسیری توجهی نداشتند. به نظر می‌رسد، لازمه‌ی چنین دیدگاهی، آشنایی با شیوه مطالعات خاورشناسان در حوزه‌های قرآنی است.

۹. نتیجه‌گیری

مفسّر در مقام تفسیر ناگزیر از اتخاذ نظریه‌هایی در باب زبان قرآن است تا مشکلات فهم نصوص را هموار سازد و به فهم روشمند و صحیح کلام خداوند بهتر نائل آید. مفسّر قرآن که با متن سروکار دارد و درصدد دستیابی به مقصود متکلم است، نیازمند سیاق جملات و واژگان است که تنها قرینه‌ی لفظی و پیوسته کلام هستند تا بتواند مفهوم آیات را کشف و زیبایی‌های لفظی و معنوی آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

فاضل صالح السامرای و بنت الشاطی نیز در رویکرد تفسیری خودشان، در توضیح معانی آیات بر بافت شناسی (سیاق) قرآن تکیه می‌کنند و برای تعیین معانی آیات، کلمات و واژگان را در آیات مقایسه کرده و سعی در گشودن معانی جدید کلمات و واژگان دارند و به دنبال نشان دادن زیبایی‌های لفظی و معنوی قرآن هستند. از آنجاکه این دو قرآن‌پژوه از پیروان تفسیر ادبی معاصر می‌باشند و در تفسیر خود از قرینه سیاق بهره بردند، ضمن شباهت‌های فراوان در کاربری قرینه سیاق به نظر می‌رسد که فاضل السامرای با گرایش نحوی و با روش سنتی یعنی به کمک نظریه‌ی نظم عبدالقاهر جرجانی بیشتر در روش خود از سیاق خاص (سوره و آیه) و بنت الشاطی هم با گرایش بلاغی و با روش تجددگرایی، یعنی آشنایی با شیوه مطالعات خاورشناسان در حوزه‌های قرآنی، بیشتر از سیاق عام (کل قرآن) استفاده کرده است.

با استفاده از این روش، فرد قادر خواهد بود که معنی اصلی متن قرآن و اصول قرآنی را به دست آورد، تا از به کارگیری فرافکنی‌های غیر قرآنی اجتناب کند، همچنین این روش منجر به این می‌شود که فرد ظرافت‌های بیانی قرآن که در آن‌ها هیچ حرفی یا کلمه‌ای جایگزین حرفی یا کلمه‌ای با همان معنا نمی‌گردد، را درک کند.

منابع

*قرآن کریم

- [۱] ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۰ش). معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران، طرح نو.
- [۲] اسعدی، محمد (۱۴۰۱ش). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- [۳] بابایی، علی‌اکبر (۱۳۹۱ش). بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، ج ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۴] بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن (بی‌تا). اعجاز بیانی، ترجمه حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۵] بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن (بی‌تا). التفسیر البیانی للقرآن الکریم، مصر، دارالمعارف.
- [۶] بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن (بی‌تا). القرآن و التفسیر العصری، الطبعة الثانية، قاهره، دارالمعارف.
- [۷] بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن (بی‌تا). القرآن و قضايا الانسان، قاهره، دارالمعارف.
- [۸] جرجانی، عبدالقاهر (۲۰۰۴م). دلائل الاعجاز، قاهره، مکتبه الخانجی.
- [۹] حسن‌بگی، علی (۱۳۹۷ش). درآمدی بر فرایند فهم حدیث، اراک، دانشگاه اراک.
- [۱۰] حسن‌بگی، علی (۱۳۹۹ش). «بررسی سه رویکرد درباره تفسیر آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت بر پایه بازخوانی جمله معترضه»، فصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال ششم، شماره ۲، صص. ۷۸-۵۵.
- [۱۱] خولی، امین (۱۹۳۳م). «تفسیر»، دائرةالمعارف الاسلامیه، بیروت، دارالمعرفه.
- [۱۲] دسترنج، فاطمه؛ ابراهیمی، ابراهیم (۱۴۰۲ش). «بررسی تطبیقی رویکرد قرآن پژوهی آمنه ودود و عایشه بنت‌الشاطی»، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره بیستم، شماره ۳۷، صص. ۳۴-۹.
- [۱۳] راغب اصفهانی، محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت، دارالعلم الشامیه.
- [۱۴] رجبی، محمود (۱۳۸۳ش). روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۱۵] رضایی، محمدعلی (۱۴۲۴ق). درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- [۱۶] زرکشی، محمد بن بهادر (بی‌تا). البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، بیروت، دارالمعرفه.
- [۱۷] زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۱۸] السامرائی، فاضل صالح (۱۹۹۸م). التعبير القرآنی، اردن، دار عمار.
- [۱۹] السامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۶م). بلاغۃ الكلمۃ فی التعبير القرآنی، مصر، شرکة العاتک للنشر.
- [۲۰] السامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۷م). معانی النحو، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۱] السامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۸م). أسئلة بیانیة فی القرآن الکریم، الامارات، مکتبه الصحابة.
- [۲۲] سجادی، سید ابوالفضل؛ جرفی، محمد؛ مختاری، قاسم؛ فرجی، مطهره (۱۳۹۸ش). «بررسی آثار فاضل السامرائی بر پایه نظریه نظم جرجانی با استناد به قرآن کریم»، فصلنامه علمی-پژوهشی، سال هفتم، شماره ۱، صص. ۷۰-۴۵.
- [۲۳] سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۱۶ق). الاتقان فی علوم القرآن، دمشق، دار ابن کثیر.

- [۲۴] شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲ش). **روش‌ها و گرایش‌های تفسیری**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- [۲۵] شاکر، محمد کاظم؛ نانسی، ساکی (۱۳۹۳ش). «**بنت‌الشاطی و سازمان‌دهی تفسیر ادبی**»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، سال یازدهم، شماره ۴، صص. ۱۰۱-۱۲۸.
- [۲۶] شهبازی، محمود (۱۳۹۵ش). **بلاغت واژگان در قرآن کریم**، اراک، دانشگاه اراک.
- [۲۷] صدقی، حامد؛ مرادی، زهرا (۱۳۹۶ش). «**سیاق و کارکرد آن در کتاب‌التعبیر البیانی**»، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه اراک، سال پنجم، شماره ۳، صص. ۷۵-۹۸.
- [۲۸] طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). **المیزان**، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۹] طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرین**، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
- [۳۰] طیب حسینی، سید محمود (۱۳۸۹ش). **چندمعنایی در قرآن کریم**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۳۱] طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۰ش). **تفسیر بیانی**، قم، دانشکده اصول‌الدین.
- [۳۲] مودب، سیدرضا (۱۳۸۶ش). **مبانی تفسیر قرآن**، قم، دانشگاه قم.
- [۳۳] میرحاجی، حمیدرضا (۱۳۹۲ش). **درآمدی بر تفسیر بیانی قرآن کریم (فاضل‌السامرائی)**، تهران، انتشارات سخن.
- [۳۴] نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۸ش). **تفسیر تطبیقی**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.